

بیانیه کمیته هماهنگی شورای موقت سوسیالیست‌های چپ ایران درباره تجاوز اسرائیل به فلسطین و لبنان و جنایات‌اش در آن کشورها

تجاوز گسترده‌ی اسرائیل به نوار غزه و لبنان بار دیگر توجه جهانیان را به کشمکش شصت ساله‌ی اسرائیل-فلسطین جلب نمود و خشم مردم صلح دوست و آزادیخواه جهان را نسبت به رژیم نژادگرا و اشغالگر اسرائیل و حامی آن آمریکا برانگیخت.

این بار دولت اسرائیل به بهانه‌ی آزادکردن یک سرباز اسرائیلی، ابتدا به شیوه‌ی باندهای تروریستی آدم‌ربا، نزدیک به صد نفر از فلسطینی‌ها از جمله سه نماینده‌ی مجلس و ده وزیر حکومت فلسطین را به گروگان گرفت و سپس عملیات تهاجمی زمین و هوایی را به غزه آغاز کرد و با نیروی توپخانه و جنگنده‌های اف ۱۶ به کشتار مردم بی‌پناه فلسطین از زن و مرد و کودک، ویران کردن ساختمان‌ها، جاده‌ها، تأسیسات آب و برق و بمباران محل‌های سکونت مردم، مدرسه، ساختمان وزارت کشور فلسطین و... دست زد. به دنبال این عملیات و همراه با بسط این تهاجم علیه مردم فلسطین، آن را تا جنگ علیه لبنان گسترش داد. کشتار مردم بیروت، ایجاد رعب و وحشت در میان آنان، ویران کردن مناطق مسکونی، ساختمان‌های غیرنظامی، فرودگاه بیروت، پل‌ها، راه‌های ارتباطی و تأسیسات ساختاری آغاز این تجاوز بود که هم‌چنان با شدت و افسارگسیختگی خاص دولت صیہونیستی ادامه دارد.

با این تهاجم مردم لبنان که پس از سالیان دراز زندگی در آتش تجاوز و تحریکات خارجی و جنگ داخلی، با آرزوی زندگی در صلح و آرامش، در تلاش استقرار شرایط عادی در کشورشان بودند، بار دیگر به زندگی در جنگ و وحشت، رهاکردن خانه و موطن و آوارگی و فرار محکوم شدند. بنا بر گزارش خبرگزاری‌ها و نهادهای بین‌المللی هم اکنون قریب یک میلیون نفر از مردم لبنان آواره و در حال فرارند.

تجاوزها و جنایات‌های اسرائیل و این گونه فاجعه‌آمیزی‌های آن پدیدار تازه‌ای نیست. تاریخ شصت سال گذشته‌ی خاورمیانه به کرات شاهد تهاجم‌ها و جنایات‌های رژیم صیہونیستی، در این مقیاس یا با ابعادی بزرگ‌تر یا کوچک‌تر، شاهد سیاست جنگی، تروریسم دولتی، تجاوز آشکار به حقوق انسانی و بی‌اعتنایی آن به مفاد منشور ملل و اصول ابتدایی حقوق بین‌الملل بوده است. دولت اسرائیل در تمامی این دوران، جنایات‌های خود را به نام مقابله با «تروریسم فلسطینی‌ها» و «دفاع از خود» توجیه کرده است. در حالی که:

۱- ترور را در خاورمیانه صیہونیست‌ها برای ایجاد اسرائیل آغاز کردند. عملیات تروریستی علیه مردم عادی و غیر نظامی عرب، پیش از تأسیس اسرائیل در سال‌های ۱۹۲۰ و ۴۰ توسط صیہونیست‌هایی چون مناخیم بگین و اسحاق شمیر (نخست وزیران بعدی) سازمان داده شد. صیہونیست‌های بنیانگذار این رژیم در زمان اختلاف با بریتانیا حتی مأموران انگلیسی و تأسیسات آن‌ها، از جمله مرکز فرماندهی بریتانیا را در فلسطین هدف عملیات تروریستی خود قرار دادند.

۲- پس از تأسیس دولت اسرائیل، تروریسم صیہونیست‌ها در شکل تروریسم دولتی، تجاوز و سرکوب، اشغال سرزمین‌های همسایه، پاک‌سازی قومی و مذهبی ادامه یافت که تازه‌ترین مورد آن تجاوز کنونی است.

۳- دولت اسرائیل از آغاز تشکیل تا کنون به رغم قطعنامه‌های متعدد سازمان ملل- از جمله قطعنامه‌ی ۱۹۴، مصوبه‌ی ۱۱ دسامبر ۱۹۴۸ مبنی بر پذیرش حق تشکیل دولت مستقل فلسطین و حق بازگشت پناهندگان فلسطینی- کماکان مانع تحقق این امر است. پس از اشغال سرزمین‌های عربی در ژوئن ۱۹۶۷، شورای امنیت در نوامبر ۱۹۶۷ طی قطعنامه‌ی ۲۴۲ تخلیه‌ی سرزمین‌های اشغالی را از اسرائیل خواست. در پنجاه سال گذشته بیش از ۴۵۰ قطعنامه در مورد اسرائیل، در محکوم کردن سیاست‌ها و تجاوزها یا در موظف کردن آن به انجام اقدامات معین، توسط سازمان ملل به تصویب رسیده است. اما اسرائیل بی‌اعتنا به این قطعنامه‌ها به سیاست‌های غاصبانه‌ی خود همچنان ادامه داده است و آمریکا که لشکرکشی تاریخی به عراق را از جمله به بهانه‌ی عدم اجرای قطعنامه‌ی سازمان ملل توسط رژیم صدام انجام داد، حامی اصلی اسرائیل در ادامه‌ی این سیاست و در بی‌اعتنایی به قطعنامه‌های سازمان ملل بوده است.

- ۴- دولت اسرائیل به جای اجرای قطعنامه‌ی سازمان ملل در مورد پذیرش حق تشکیل دولت فلسطین، بی‌اعتنایی به جامعه‌ی جهانی و حقوق بین‌المللی را با زبان خشونت همراه کرد و مقر یاسر عرفات رئیس تشکیلات حکومت خودگردان فلسطین را به مدت سه سال به بهانه عدم مبارزه قاطع با تروریست‌ها!! محاصره کرد و مانع خارج شدن او از مقر خود گردید.
- ۵- جنگ ژوئن ۱۹۶۷ و اشغال اراضی کرانه‌ی غربی رود اردن، نوار غزه، بیت‌المقدس شرقی، بلندی‌های جولان در سوریه و صحرای سینای مصر و اجرای سیاست **شهرک سازی یهودیان** در این مناطق نیز به نام «دفاع از خود»!! انجام گرفت.
- ۶- فاجعه‌های فراموش نشدنی صبرا و شتیلا و دیراسین و قتل و عام زن و مرد و پیر و جوان و کودک، ویران کردن شهرها و روستاها و خانه‌های مردم بر سرشان، جلوگیری از عبور و مرور آنها و از رفتن بر سر کار، مانع شدن از انتقال زخمی‌ها به بیمارستان و کشتار کودکان فلسطینی (بنا بر تحقیقت سازمان‌های بی‌طرف مدافع حقوق بشر تاکنون ۹۸۰ کودک فلسطینی به دست اسرائیل به قتل رسیده‌اند)... این همه نیز به نام «دفاع از خود» انجام گرفته است!!
- ۷- دولت اسرائیل که سالیان دراز یاسر عرفات و سازمان آزادیبخش فلسطین را عامل مقاومت مردم فلسطین و «عملیات تروریستی» می‌خواند، در سال‌های ۱۹۷۰ و اوایل دهه‌ی ۸۰ به امید تضعیف آن سازمان، به شکل‌گیری و تقویت سازمان حماس یاری رساند. پس از آن مدتی نیز در پی قتل یاسر عرفات بود. در سال‌های آخر حیات عرفات به بهانه‌های گوناگون مانع ادامه‌ی روند صلح شد. در دوران بیماری عرفات همه چیز را به «بعد از عرفات» موکول کرد. پس از عرفات و به دنبال رأی اکثریت مردم فلسطین به حماس نه تنها حاضر نشد این رأی مردم و پیروزی حماس را در انتخابات بپذیرد، بلکه در برابر آن سیاست بایکوت را در پیش گرفت و سپس با شانتاژ و تهدید و از جمله تهدید به ترور رهبران حماس، سرانجام با جنگ وحشیانه‌ای که هنوز ادامه دارد، سیاست درهم‌شکستن این حکومت و به زانو درآوردن مردم فلسطین و همزمان با آن کشتار مردم لبنان به امید قلع و قمع حزب‌الله را در پیش گرفته است.
- ۸- همه‌ی شواهد نشان می‌دهد که جنگ علیه فلسطین و لبنان به بهانه‌ی آزاد کردن سرباز اسرائیلی از مدت‌ها پیش از اسارت این سرباز تدارک دیده شده و سازمان یافته است و هدف بلاواسطه‌ی آن پایان دادن به حکومت حماس و هدف دورتر آن خاتمه دادن به هر نوع حکومت فلسطینی و تشکیلات مستقل دولت فلسطین است. تا برای اسرائیل مخاطب مذاکره وجود نداشته باشد و همان طور که در سال‌های آخر حکومت شارون انجام گرفت، اسرائیل به طور یک جانبه همه چیز و منجمله حدود مرزهای اسرائیل را تعیین کند. به عبارت دیگر آن چه اسرائیل در پی آن نیست صلح و مذاکره و توافق با فلسطین است. این سیاست را آرل شارون با صراحت کافی تحت عنوان «تعهد زدایی» طرح و اجرا کرد و وارثان او پی‌گیرانه آن را دنبال می‌کنند.
- ۹- این جنگ همان گونه که تجربه‌های سرکوب و تجاوز و جنگ‌های پنجاه سال اخیر نشان داده است به هر چیزی می‌تواند منجر شود مگر تسلیم خلق فلسطین و پایان یافتن یا محدود شدن عملیات انتحاری جوانان خشمگین سرخورده و ناامیدی که از سرزمین‌های اجدادی خود رانده شده‌اند یا در مناطق تحت اشغال زندگی می‌کنند و شاهد ستم و تحقیر روزمره و پایان ناپذیر اسرائیل و آمریکا و جنایات‌های وحشیانه‌ی آنها هستند. این جنگ و جنایت مقاومت مردم فلسطین را بی‌شک تشدید خواهد کرد. در عین حال نمی‌توان نادیده گرفت که این جنایات زمینه ساز گسترش موج نفرت و دشمنی دنیای عرب و جهان اسلام نسبت به اسرائیل و آمریکا، زمینه‌ساز روی آوردن هزاران جوان سرخورده‌ی فلسطینی، عرب و مسلمان به عملیات انتحاری و پیوستن آنان به سازمان‌هایی چون القاعده شده و عاملی است در برانگیختن جنگ بین مذهب‌ها و فرهنگ‌ها.
- ۱۰- تهاجم اسرائیل به فلسطین و لبنان، نقض خشن حقوق بشر و تجاوزی است افسارگسیخته به حقوق انسانی. حمایت هر دولتی از اسرائیل در این جنگ و یا سکوت‌اش در قبال آن چیزی نیست جز شرکت مستقیم در این پایمال کردن حقوق بشر و نشان دهنده‌ی آن است که برای چنین دولت‌هایی دموکراسی و حقوق بشر تنها در ارتباط با سیاست‌ها و برنامه‌ها و منافع‌شان معنا می‌یابد.
- ۱۱- عملکرد اسرائیل همراه با سیاست آمریکا در خاورمیانه عامل اصلی گسترش تروریسم و عملیات انتحاری و تقویت و رشد بنیادگرایی اسلامی در منطقه است. پایان این

گونه عملیات و استقرار صلح و آرامش در منطقه بدون پایان یافتن سیاست و کارکرد تاکنونی اسرائیل و آمریکا، بدون برسمیت شناختن حقوق مشروع و انسانی مردم فلسطین و تأمین مطالبات محقانه‌ی آنها، بدون خارج شدن اسرائیل از مناطق اشغالی و پذیرش حق تشکیل دولت مستقل فلسطین ممکن نخواهد بود.

۱۲- دولت صیہونیستی اسرائیل که بیش از پنجاه سال است بابت جنایت نازی‌ها علیه یهودیان از جهان باج می‌گیرد، خود همان سیاست مجازات جمعی و نسل‌کشی نازی‌ها را وحشیانه علیه مردم فلسطین، لبنان و اعراب اعمال می‌کند.

۱۳- با توجه به جنگ روانی دو هفته‌ی اخیر و مطرح شدن مداوم نام ایران و سوریه به عنوان محرکان حزب‌الله و حامیان حماس، احتمال اقدام جنون‌آمیز حمله نظامی به این دو کشور یا یکی از آنها و در نتیجه به آتش کشیدن منطقه احتمالی بعید نیست!

هیئات هماهنگی شورای موقت سوسیالیست‌ها چپ ایران

۲۲ ژوئیه ۲۰۰۶